

حدیث روز: **پیامبر اسلام (ص):** کسی که حاجت برادر مؤمن خود را بآورده سازد، مانند کسی است که عمر خود را به عبادت گذرانده باشد.

پل احساس: شهر ای غم که حق صحبت دیرینه داشتی
باری چو می‌روی به خدامی سپارمت

اوقات شرعی: غروب آفتاب: ١٩/٤٩ نیمه شب شرعی: ٥٠/١٥ طلوع خورشید(فرد): ٦٤/٣٤	اذان ظهر: ١٣/٥٢ اذان مغرب: ٤٠/٨
--	------------------------------------

دل به دنیا! رنگ بزنیم

پنهان شدن از نگاه دیگران
با مهرداد مال عزیزی، معمار و کارشناس
هم صحبت می شویم و از او می پرسیم
شهرهایمان رنگ نیست؟ چرا دیگر مردم
حیاط هایشان را آبی و سبز نمی کنند؟ قد
آبی آسمانی در حیاطها، کوچه ها را پر از آرامیدا
اما الان حتی در های سایه و قوههای هستند؟
عزیزی که از او بله عنوان طراح پارک آب و
می شود، به پیشینه زیستی ما ایرانی ها اشاره
نمی گوید: ما مردمی بودیم که در میان
زنگی می کردیم. روستاییان و عشاپریان
ابنوهی از رنگ بودند. آنهایی که در شهر
می کردند هم با طبیعت فاصله کمی داشتند
همین شهرسازی ها هم بر اساس رنگ ها
بود. اما به مرور مردم از طبیعت فاصله
این فاصله آقدر زیاد شد که رویه ها را
قرار داد و مردم رنگ را به فراموشی
از روستاها به شهرهای کوچک و شهرهای
مهاجرت کردند و دور شدن از زادگاه با
آنها حساس نامنی کنند و بیشتر دوست
باشند خود را پنهان کنند. برای همین
خانه سازی و حتی خودروه
رنگ های سیاه و سفید را
مرور حاکم شد بر جامعه
شهرستان ها و روستاه
رنگ های شاد برای در خان
استفاده می کنند چون آن
مردم یک دیگر رامی شناسی
برای پنهان کردن خود را
کلان شهرهای مثل تهران
دیگری را نمی شناسد.
عدم امنیت باعث می شود
تا جایی که می توانند خود
دیگران پنهان کنند به هم
به سمت رنگ های تیره م
رنگ خودروها دقیق کنند
سیاه را سفید هستند.

سال ها دل طلب
جامع جم ازمامی کرد
/ و آنچه خود داشت
زیگانه تمدنی کرد
حکایتمان شده، مصدق
غزل حافظ که قرن ها پیش سروده. دلمان
چیزهایی می خواهد و در حسرت داشته هایی
می سوزد که روزگاری برای خودمان بوده و
جدادمان آنها را طراحی و ساخته اند اما الان ما
نه را انداریم و از این نداشت اعصابیمان به هم
یخته و خلقمان تنگ شده است. خانه هایی
که تا چندین سال قبل محلی بود برای زیستن
ایرانی ها، حالا شده خانه های بوم گردی که برای
جلب گردشگران خارجی از آنها استفاده می شود
و آنها که می آیند و در این خانه ها اقامت می کنند
و با در و دیوار آنها عکس می گیرند، با تفاخر در
شبکه های اجتماعی منتشر می کنند و می نویسند
که ببینند ما کجا بودیم، در سرزمین و خانه هایی
که انگارگرگ حیات در آنها جریان دارد. خودمان
هم همین طور هستیم. عکس گرفتن با خانه های
قدیمی که اجدادمان در آنها زندگی می کردند، شده
ثبت خاطره ای فراموش نشدنی و
ترس و نگرانی از این که تا چند سال
بیگانه آنها را نخواهیم داشت و ناید
خواهند شد.

پس دم را غایمت بدایم و بادنیم
را مامش و صلح و دوستی عکس
بادگاری بیندازیم.

مهرداد مال عزیزی:
ظاهر خانه های
قدیمی ساده بود تا
 محلی نباشد براي
تفاخير، اما وقتی
در باز می شد با
دنيای از رنگ و
گیاه و آب رو به رو

فوق الارض والسماء



گفت و گو با مهرداد مال عزیزی، طراح پارک آب و آتش
در باره معماری و زنگ شهر

حکایت عبرت‌آموز
مردمها جرو لابی جنگ

همسایه به کار مشغول شد و پس از چندی از مردم کشور همسایه اختیار کرد و بچه دار شد و زاروندی مفصلی تشکیل داد. مردم کشور همسایه نخست به او بچشم بیگانه نگاه می کردند و حتی به سختی به او زن دادند. اما اندک اندک او را در میان خود پذیرفتند و با او خوکردن و او را یکی از خود دانستند. مردم هاجرا نیز با لاش و پشتکار فراوان به مدارج و مناصب مهم رسید تا آن که به حلقه مشاوران رسانه‌ای دربار پادشاه کشور همسایه رسید و در سمت مشاور مخصوص فجایز سلطنتی مشغول به کارشد تا آن که پادشاه کشور همسایه بر اثر زیاده روی درگذشت و برادر کوچکترش جانشین او شد. پادشاه جدید که مردی تاجر مسلک و بور بود، تصمیم گرفت که کشور همسایه حمله کند و آن را مورد تاخت و تاز قرار دهد و منابع طبیعی آن را به تاراج ببرد و از موقعیت استراتژیک آن به نفع گسترش هژمونی خود در منطقه بهره‌برداری کند. پس مشاوران را فراخواند تا آنان به شورو مشورت بپردازند. وقتی جلسه تشکیل شد، پادشاه رهبه مردم هاجرا کرد و گفت: «ای مشاور مخصوص فجایز، ما تصمیم داریم به سرزمینی حمله کنیم و واکنش را به توبه بکشیم و در آنجا جنایات فراوان انجام دهیم. سرزمینی که سرزمین توست و تو به آن تعلق خاطر داری. پس تو نمی‌توانی در این جلسه حاضر باشی». مردم هاجرا برخاست تا از جلسه بیرون بروند. پادشاه گفت: «و نمی‌توانی از جلسه خارج شوی، چرا که اکنون تو می‌دانی ما چه قصدی داریم و از اسرار ما آگاهی داری». مردم هاجرا گفت: «پادشاهها شما در مورد من چه فکری می‌کنید؟» پادشاه گفت: «من، اصلاً

پنجره‌های رنگی، حوض آب رنگی و گلدان‌ها درخت‌های لوازم خانه هم رنگی بود با چینشی چشم‌نمای ایرانی‌ها با رنگ زندگ بودند چون رنگ، دلیل برای به چشم آمدن نبود، سبک زندگی بود. اما به مرور حتی رنگ از لوازم داخلی خانه‌ها محفوظ شد. در ایران قدمی رنگ خاکستری وجود نداشت چون نشانه دلمدرگی بود اما الان به دلیل شرایط اجتماعی و زیستی رنگ خاکستری یکی از رنگ‌های منتخب است.

به طراح پارک آب و آتش که اتفاقاً یکی از پارک‌ها و بستان‌های خوب و متفاوت ایران است و خیلی از مردم و قوی از شهرستان‌باری چند رویی به تهران سفر می‌کنند از این پارک هم دیدن می‌کنند. می‌گوییم چه کنیم دوباره به همان دنیای پراز رنگ و آرامش گذشته برگردیم و شهروها و خانه‌هایمان رنگ بگیرد تامیل سابق حالمان حداقل در خانه و محله‌مان خوب باشد؟

این معمار می‌گوید: باید رسانه‌های داریاره معماري و رنگ زیاد صحبت کنند. باید ادبیات سبک زندگی ایرانی - اسلامی دوباره وارد زندگی مردم شود. باید آنها دوباره احساس امنیت روانی نسبت به معماري پیدا کنند. باید آن قدر دیرباره رنگ و تاثیل آن بر روان و روحیه صحبت شود تا آنها جسارت پیدا کرده و باز هم در خانه‌هایشان را آئی و سبز کنند. مسؤولان شهری و شهرداری‌ها در این فرهنگ‌سازی تاثیر زیادی دارند. رنگ آمیزی در و دیوار شهر و نوع مبلمان شهری و رنگ آمیزی آنها می‌تواند حساسیت مردم نسبت به رنگ را افزایش دهد و آنها را تشویق کند تا از رنگ‌های سیاه و سفید عبور کرده و دنیای اطراف خود را پراز رنگ‌های شاد که نشانه زندگ است، کنند. [۲]

مردم دوست ندارند به واسطه رنگ خودرویشان بدیده شوند. مسلمان‌ها رنگ زرد قناری یا قرمز کل‌باولی را برای اتومبیل‌ش انتخاب کند بیشتر به چشم می‌آید و مردم دوست ندارند به چشم بیایند. کارخانه‌های خودروسازی هم تابع انتخاب مردم هستند، وقتی آنها بیشتر سفید و سیاه انتخاب می‌کنند آنها هم رنگ را محدود و گاهی حتی حذف می‌کنند.

دربه بهشت ایرانی

معماری ایرانی یکی از بهترین و مطمئن‌ترین معماری‌های جهان است. ایرانی‌های قدمی برای خانه‌سازی مزاعات همه چیز را می‌کرند که بکی ز مهم ترین آنها امنیت جانی و روانی بوده است. برای آنها آرامش، مهم ترین نکته‌ای بوده که باید در خانه‌سازی رعایت می‌شده، زن خانه که بیشتر وقت خود را در خانه سبری می‌کرده باید از در و دیوار لذت می‌برد تا خانه برایش حکم قفس پیدا کنند. بچه‌ها باید جایی برای بازی می‌داشتند و فضای خانه جایی بود که بچه‌ها روانشان آرام گیرد. مرد که به خانه می‌آمد باید فضای خانه خستگی جسم و روح را ازاوی می‌گرفت و ذهننش را برای کارمهیا می‌کرد. معماران قدمی ایران می‌دانستند مصالح خانه باید با جفرافیا و منطقه همخوان باشد، چون آدم‌ها طبع شان شبیه طبع خال و آب و هوای محل زاد و زیست شان می‌شود. اما ز و قوی شهرها بدون هیچ ضوابط‌های بزرگ شدن و خانه‌ها شدن محال برای خواب بدون رامش، معماری ایرانی هم فراموش شد.

مهرداد مال‌عزیزی می‌گوید: ظاهر خانه‌های قدیمی ساده بود تا محلی نباشد برای تفاخر، اما وقتی در بیان می‌شود، معماری ایرانی هم فراموش شد.

دریاره توفکر نمی‌کنم، بلکه دریاره حفظ اسرار مملکت فکر می‌کنم.» سپس ادامه داد: «اما دوست داری چه فکری بکنم؟» مرد مهاجر گفت: «پادشاهها، من مردی بی غیرت وطن فروش و اگر به وطن سابق تعلق خاطری داشتم، الان مشاور فجایزی مملکت خودم بودم و تجربیات و دانسته‌هایم را دریاره پیشرفت و اعطا لی مملکت خودم به کارمی گرفتم.» پادشاه گفت: «از تو خوش آمد پس در جلسه حضور داشته باش» و به این ترتیب مرد مهاجر در جلسه ماند و برای این که ادعای خود را بیشتر از پیش به اثبات برساند، به لیدر لابی حامیان جنگ در دریارکشور همسایه تبدیل شد و در برابر لابی مخالفان جنگ که خواستار تراج مسالمت آمیز کشور همسایه بودند ایستاد و موفق شد طرح حمله به کشور سابق خود را به تصویب برساند. اما پیش از حمله، پادشاه کشور همسایه که مانند پادشاه سابق به عارضه زیاده روی مبتلا بود، درگذشت و برادر سوم جانشین او شد و تا این لحظه تصمیمی مبنی بر کار خاصی اختیار نکرده است.^[۵]

رسال کلیه پیوندی با پهپاد
برای اولین بار در تاریخ پژوهشکی برای تحویل یک
کلیه اهداده شده به منظور پیوند اعضا از پهپاد
استفاده و این کلیه با یک هواپیمای خودران
تحویل اتفاق جراحی شد.
به گزارش فارس، این کلیه از طریق پهپاد به
مرکز پژوهشکی مریلند در دانشگاه مریلند تحویل
داده شد. این پرواز در آوریل ۱۹۴۹ انجام شد و
مهندسان و پژوهشکان دانشگاه مریلند در این
زمینه با یکدیگر همکاری کردند.
پذیرنده این کلیه یک ۴۴ ساله و اهل بالتیمور
بود که از هشت سال قبل به علت نارسایی کلیه
محروم بود و از انجام دیالیز بود.
وی روز گذشته و بعد از اطمینان از کسب سلامت
از بیمارستان مرخص شد.

مسابقه فوتبال در شالیزار (فوچل) به منظور بازگشت جوانان روستا به شالیزار و آماده شدن برای فصل جدید کشاورزی قبل از شروع فصل نشاد روزتاهای گیلان برگزار می‌شود. کینجاه از تماشگران شاهد این مسابقات خواهد بود.



A photograph showing a view from a car window looking out onto a bridge or elevated roadway. The sky is clear and blue.

دلیل مرگ نهنگ‌های بے‌کِل نشسته

تغییرات آب و هوایی، نهنگ‌های گرس به کام مرگ کشانده است. به عقیده محقق هفت نهنگ به گل نشسته درس سه‌ننه بدلیل گرسنگی ناشی از تغییرات اقلیم جان خود را از دست می‌دهند.

فوق الارض والسماء

A group of young men are playing soccer in a muddy field. They are all wearing dark-colored athletic gear and are covered in mud from head to toe. The ball is on the ground in front of them. In the background, there are trees and a building, suggesting a park or outdoor sports field.